



"WAR  
IS  
PEACE"

جایزه کمیته صلح جانوران به کیسینجر

داستان کوتاهی از حسن قرنجی

پسیگمان (بیکاکوگران ایران)

داستان کوتاهی از حسن قزلبی

---

# جایزه کمیته صلح جانوران به

## کیسینجر

(متن گردی و ترجمه فارسی)

پیکان

(پیک کارگران ایران)

زمستان ۱۴۰۳



## فهرست

- مقدمه پیکان (پیک کارگران ایران)..... ۵
- جایزه کمیته صلح جانوران به کیسینجر (ترجمه فارسی)..... ۱۱
- جایزه ی کومیتته ی ناشتی جانوه‌ران بو کسینجیر (متن گُردی)..... ۲۲



## مقدمه پیکان (پیک کارگران ایران)

حسن قزلجی نویسنده، مترجم، زبان‌شناس، روزنامه‌نگار و از بنیان‌گذاران داستان کوتاه واقع‌گرا (رئالیستی) در ادبیات گردی است. قزلجی در سال ۱۲۹۲ در بوکان به دنیا آمد. داستان‌های کوتاهش در کتابی به نام «خنده‌ی گدا»<sup>۱</sup> گردآوری شده و اولین بار در سال ۱۳۵۱ در مهاباد چاپ شد و پس از مرگش، در سال ۱۳۶۴ برای بار دوم در بغداد به چاپ رسید. قزلجی در مجموعه داستان خنده‌ی گدا با زبانی طنز و تلخ و به شیوه‌ای واقع‌گرایانه، مناسبات طبقاتی آن روزهای جامعه‌ی ایران را می‌کاود و زندگی فرودستانی<sup>۲</sup> را روایت می‌کند که از ظلم و بیداد اربابان و وابستگان دربار پهلوی رنج می‌برند. قزلجی زبان تلخ و رسای زحمتکشانش در مقابل ریاکاری شیوخ و قلدری اربابان و دولت است. قزلجی مانند بسیاری دیگر از مبارزان راه رهایی طبقه‌ی کارگر، جان شریف و متعهدی بود که

---

۱. چاپ رسمی کتاب به زبان گردی موجود است و ترجمه‌ی فارسی آن در فضای مجازی در دسترس است.

۲. به دلیل وضعیت اجتماعی اقتصادی آن سال‌های جامعه‌ی ایران، بیشتر فرودستان موجود در داستان‌های قزلجی را دهقانان تشکیل می‌دهند. زیرا رشد صنعت و شهرنشینی هنوز در اوایل مسیر خود بود.

دولت‌های حامی اربابان و سرمایه‌داران تحمل حضورش را نداشتند به همین دلیل، هم در دوران سلطنت پهلوی و هم بعد از انقلاب ۵۷ توسط جمهوری اسلامی زندانی شد و سرانجام در سال ۱۳۶۳ پس از تحمل ۱۰ ماه شکنجه، قلب این مبارز خستگی‌ناپذیر از تپش باز ایستاد.

قرزلجی جلوه‌های مختلف ستم که باعث رنج زحمتکشان می‌شود را در وسعتی جهانی به تصویر می‌کشد و دورویی و ریاکاری حاکمان را روایت می‌کند. حاکمانی که در راستای منافع خویش، انواع جنایات جنگی را انجام می‌دهند و سپس از صلح دم می‌زنند! او در یکی از داستان‌هایش به تأثیر از اوضاع و احوال آن زمان جهان، به موضوع جنگ و صلح دروغین می‌پردازد.

قرزلجی به مناسبت اهدای جایزه‌ی صلح نوبل به هنری کیسینجر - وزیر امور خارجه‌ی دولت وقت ایالات متحده‌ی آمریکا- داستانی با همین عنوان می‌نویسد و مناسبات حاکم بر نهادهای حقوق بشری را به سُخره می‌گیرد. در این اثر ارزشمند طنزی تلخ فضای داستان را فرا می‌گیرد. وزیر امور خارجه‌ی دولتی که کشور ویتنام و کامبوج را به خاک و خون کشید، جایزه‌ی صلح دریافت کرد! در این داستان که شخصیت‌های اصلی آن حیوان‌اند، خرگوش می‌پرسد این چه صلحی است که ابزارش جنگ است و نتیجه‌اش ویرانی و نابودی

است؟ و گرگ پاسخ می‌دهد که: هدف وسیله را توجیه می‌کند.  
جنگ برای حفاظت از صلح است.

سرمایه‌داران جنگ را ابزاری برای استقرار صلح و دموکراسی می‌پندارند! اما دموکراسی آن‌ها چیزی جز چپاول ثروت‌ها و استثمار هر چه بیشتر زحمت‌کشان جهان نبوده است و هدفشان از صلح، حفظ کردن منافی است که در جنگ کسب کرده‌اند. از سوی دیگر دولت‌های سرمایه‌داری در راستای مشروع جلوه دادن جنایت‌ها و غارت‌هایشان، صدها و هزاران نهاد و سازمان حقوق بشری و صلح‌طلب را به وجود می‌آورند. جالب اینکه بودجه‌ی این سازمان‌ها را هم خودشان تأمین می‌کنند و در صورتی که فلان نهاد و سازمان برخلاف منافعشان سخن بگوید، انگ‌هایی مثل تروریست، ضد حقوق بشر، ضد یهود و ... را نثارشان می‌کنند.

امپریالیسم آمریکا یا به تعبیر قزljی شیر تگزاس، پس از پایان جنگ جهانی دوم با بهانه‌هایی مثل استقرار دموکراسی و مبارزه با دیکتاتوری و دفاع از حقوق بشر جنگ‌هایی را در ویتنام، افغانستان، عراق، لیبی، سوریه و... به راه انداخت که نتیجه‌اش نابودی سرزمین‌ها و نسل‌کشی‌های گسترده بوده است. یکی از مرگبارترین جنگ‌ها، حمله‌ی آمریکا به ویتنام است. در طول این جنگ حدود ۴/۲ میلیون نفر در ویتنام و کامبوج و لائوس کشته شدند. حدود



۱۸/۲ میلیون گالن عامل سمی نارنجی<sup>۳</sup> از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۳ از جنگنده‌های آمریکایی شلیک شد. ۴۰۰ هزار نفر در اثر این مواد شیمیایی جان باختند و ۵۰۰ هزار کودک با معلولیت مادرزادی متولد شدند. با پایان جنگ، بمباران نه تنها قطع نشد بلکه بمب‌های بیشتری بر سر کامبوج ریخته شد. کیسینجر در مورد بمباران‌ها گفت که این بمباران ارتش ویتنام در داخل کامبوج را هدف قرار داده است و نه خود کشور را! شبیه خزبعلاتی که در یک سال اخیر از زبان صلح‌طلبان دموکراسی‌خواه در مورد جنایت اسرائیل در غزه و فلسطین می‌شنویم!

بمباران کامبوج تا آن زمان از نظر حجم مهمات کشنده و ویرانگر بی‌سابقه بود، اما اسرائیل رکورد جدیدی را به نام خود در یک سال اخیر در غزه ثبت کرد که از این هم سهمناک‌تر است. از نظر وسعت و بازه‌ی زمانی، بمباران غزه توسط اسرائیل بیش از ۷۰ هزار تن بمب برآورد شده که بسیار بیشتر از ویرانی‌های بدترین بمباران‌های جنگ جهانی دوم است. در این مدت فقط در غزه ۵۰ هزار نفر کشته شده‌اند. این جنایت‌کاران ۷۵ سال است که به نام دفاع از

---

۳. عامل نارنجی که حاوی ماده‌ی شیمیایی کشنده‌ای به نام دیوکسین بود، علف کش بسیار قوی بود که ارتش آمریکا برای از بین بردن جنگل‌های ویتنام استفاده می‌کرد. حتی مقادیر بسیار اندک این سم سرطان‌زا است.

دموکراسی، نسل‌کشی و ویرانی به بار آورده‌اند. زیاد شنیده‌ایم که سازمان ملل به عنوان به اصطلاح نهاد حافظ صلح، علیه «خشونت» اسرائیل در غزه قطعنامه صادر می‌کند و خواهان آتش‌بس فوری است. واقعیت این است که سازمان ملل ابزار سیاسی ساخته‌ی کشورهای امپریالیست پس از جنگ جهانی دوم است تا به وسیله‌ی آن، توده‌های جهان در حالی که قربانی جنگ و فقر می‌شوند، فریب صلح و دموکراسی و حقوق بشر را بخورند. به یاد داریم که همین سازمان ملل بود که در سال ۱۹۴۷ بر اساس قطعنامه‌ی ۱۸۱ مجمع عمومی اش ۵۵ درصد خاک فلسطین را به اسرائیل تقدیم کرد! نه هرگز سازمان ملل به رهایی فلسطین از رنج‌هایش رأی نمی‌دهد. منظورشان از صلح هم این است که مردم مقاومت نکنند تا اسرائیل با خیال راحت به شهرک‌سازی و نسل‌کشی ادامه دهد. اوج مضحک بودن ماجرا اینجاست که سازمان ملل پشت سر هم قطعنامه‌ی صلح و آتش‌بس در غزه صادر می‌کند، آمریکا هم با آن‌ها مخالفت می‌کند و اسرائیل به بمباران خانه و مدرسه و بیمارستان و... ادامه می‌دهد!

حسن قزلی اگرچه با روایت رنج دهقانان و کارگران ایران شناخته شده است اما نسبت به رنج هم‌زنجیران خود در دیگر نقاط جهان بی‌تفاوت نیست. بی‌تفاوت نبودن قزلی نسبت به ستمی که بر کارگران و دهقانان ویتنام اعمال می‌شد، نشانه‌ی تعهد او به منافع

همه‌ی زحمتکشان جهان بود. قزلجی بر اساس همین تعهد در داستان خود دروغ دموکراسی و صلح را افشا می‌کند و نشان می‌دهد که صلح مورد نظر گرگ‌ها، به نفع فرودستان نیست. این صلح دروغین، به کام خود درندگان داستان قزلجی است و نشان داد که منفعت فرودستان در هر کجای جهان، تنها از راه همبستگی و مبارزه علیه سرمایه‌داران حاصل می‌شود. اوج درخشان داستان قزلجی نه به چالش کشیدن صلح دروغین، بلکه روایت مقاومت و مبارزه‌ای مردمانی است در مقابل امپریالیست‌ها و یا به تعبیر وی در مقابل «شیرهای تگزاس و ماری» که آن‌ها را به گربه‌هایی حقیر تبدیل می‌کند.

برای امروز که اسرائیل با حمایت شیرهای تگزاس و ماری و ... ۷۵ سال است که به نسل‌کشی فلسطینی‌ها ادامه می‌دهد، از قزلجی باید بیاموزیم و نسبت به رنج مردم تحت ستم فلسطین بی‌تفاوت نباشیم. رنج آن‌ها جدای از رنج طبقه‌ی کارگر در ایران نیست. همبستگی و مبارزه برای منافع همه‌ی زحمتکشان، از ایران تا فلسطین، امری است که امروز بیش از هر چیزی به آن نیاز داریم.

## جایزه کمیته صلح جانوران به کیسینجر<sup>۴</sup>

خرس (رئیس کمیته صلح جانوران): بدین وسیله نشست کمیته صلح جانوران را آغاز می‌کنم. می‌خواهیم درباره‌ی کسانی که برای دریافت جایزه پیشنهاد شده‌اند صحبت کنیم. جناب دبیر چه کسانی پیشنهاد شده‌اند؟

میمون (دبیر کمیته): آقای کیسینجر، گرگ او را پیشنهاد داده است.

رئیس: چه کسی می‌خواهد در این رابطه صحبت کند؟

خرگوش: من می‌خواهم حرف بزنم.

گرگ: حق نداره صحبت کنه، او تا به حال به هیچ موجودی کوچک‌ترین صدمه‌ای نزده و حتی شایسته آن نیست که در کمیته جانوران عضویت داشته باشه.

---

۴. اگرچه ترجمه‌ی این اثر در فضای مجازی وجود دارد اما به دلیل نارسائی‌هایی که در آن ترجمه وجود داشت تصمیم بر ترجمه‌ی مجدد آن گرفتیم. از این رو هر نقص و ایرادی در ترجمه‌ی فعلی وجود دارد متوجه سایت پیکان است.

میمون: جانوران دو گروهن. دسته‌ای از آن‌ها می‌کشند و دسته‌ای دیگر نه؛ اگر انتقاد آقای گرگ را بپذیریم باید خیلی از جانوران را از حق رأی محروم کنیم. به نظر من خرگوش هم به عنوان یک جانور حق اظهار نظر دارد.

رئیس: تاکنون خرگوش از اعضای جانوران بوده و عضو کمیته است. پس می‌تواند صحبت کند.

خرگوش: جناب خرس، رئیس گرامی کمیته، آقایان جانور، اعضای محترم کمیته! هنری کیسینجر در آلمان به دنیا آمده است.

گرگ: این که عیب و عار نیست هرکس در این جهان در جایی به دنیا آمده.

خرگوش: نمی‌گویم که این ایراده، منظورم این نیست که عیب و عاره فقط می‌خواهم مختصری از زندگی این آقا را برای کمیته محترم بیان کنم. از یک خانواده یهودی...

گرگ: ساکت شو! تو فاشیستی... ضد یهودی.

خرگوش: حُب چی بگم! تقصیر من چیه که این آقا از یک خانواده‌ی یهودیه. من این موضوع رو به عنوان یه مشکل مطرح نمی‌کنم. شما که ایشون رو پیشنهاد داده اید باید از اصل و نسبش هم مطلع باشی؟ چرا ناراحت میشی؟

رئیس (با ناراحتی): کسی حق ندارد نظم جلسه را به هم بزند. بگذارید حرف‌هایش تمام شود. بعد از آن هرکس می‌تواند نظر خود را بیان کند.

خرگوش: تشکر جناب رئیس. هنری کیسینجر در آلمان به دنیا آمده، از یک خانواده‌ی یهودی. به عنوان استاد دانشگاه در دانشگاه هاروارد آمریکا مشغول بوده است. همیشه می‌گفت: «من عاشق قدرت و حاکمیتیم». همین موضوع نشان می‌دهد که وی چه کسی است. او عاشق فکر و اندیشه‌ی دو نفر بوده، همواره از آن‌ها به عنوان «پایه‌گذاران تاریخ نوین اروپا» نام برده و آن‌ها را پرستیده؛ آن دو، مترنخ و بیسمارک‌اند. خودتان واقفید که این دو نفر، هرگز طرفدار گفتگو از موضع برابر نبودند. همواره خواستند «صلح» را به زور و از بالا تحمیل کنند. هر دو طرفدار نظامی‌گری بودند، توده‌ی مردم برای آن‌ها هیچ ارزشی نداشته و تنها به عنوان ابزاری در راه اهداف خود به کار می‌گرفتند. بیسمارکی که کیسینجر می‌پرستید، همواره می‌گفت: «پارلمان تئاتریست که هیچ‌گاه آرتیست جوانی به خود ندیده است».

آن دیگری هم که کیسینجر او را مقدس می‌داند، یعنی مترنخ، همیشه نامش همراه دیکتاتورهای عصر گذشته اروپا آمده است. روشی شبیه ماکیاولی داشته و در تاریخ اروپا، به افسونگر بزرگ

معروف است. کیسینجر رساله‌ی ۳۵۰ صفحه‌ای دکترای خود را به این آقا اختصاص داده است. در همان رساله می‌گوید: «این مردان از آن رو بزرگ و برجسته‌اند که توانستند به مدت دویست سال، صلحی پایدار را در اروپا بر پا دارند». صلحی که آن‌ها در اروپا مستقر کردند، به چه قیمتی تمام شد؟ مگر صلحی که مترنیک به اروپا ارزانی داشت، بهایش درهم شکستن سرزمین‌های کوچک‌تر اروپا و کشتار و اسیر کردن دیگر ملت‌های ضعیف‌تر نبود؟ و صلحی که بیسمارک برقرار کرد، مگر به زور شمشیر نبود؟

به مدت هزار سال آلمان به صورت فدرالی اداره می‌شد. او با فولاد و خون و با توسل به زور آرامش مردم را برهم زد و همه را به زیر سلطه‌ی خود کشاند. کشورهای دیگری را نیز تحت فرمان خود درآورد و امپراتوری امپریالیستی رایش دوم را بنا نهاد. در خود آلمان چند قانون را جهت اسیر کردن و گرفتار نمودن کارگران تصویب کرد که بعداً مورد تشویق هیتلر قرار گرفت. هیتلر در کتاب «نبرد من» می‌نویسد: «مطالعه قانون کارگری بیسمارک، پایه‌ی سیاست صنعتی ما در رایش سوم خواهد بود». کیسینجر نویسنده دو کتاب «مترنیک» و «سلاح اتمی به مثابه یک قدرت مخوف» اعتقادی به گفتگوی آرام و مستمر ندارد، طرفدار گفتگو از موضع زورگویانه و فریبکارانه‌ست و جانب‌دار تحمیق، سرکوب و تحمیل صلح است.

جناب رئیس محترم! آنچه تاکنون گفتم، تنها درباره‌ی اعتقادات خود کیسینجر بود، اما او به طور رسمی و به نام نماینده‌ی دولت آمریکا، به نام دولتی که هزاران مدرسه و بیمارستان را در ویتنام بمباران کرده و هزاران هزار ویتنامی را کشته و هزاران خانه و مزرعه را به آتش کشیده، با ویتنامی‌ها گفتگو کرده است. مقدار بمبی که او روی ویتنام ریخته، بیشتر از بمب‌هایی است که در طول جنگ دوم جهانی به کار رفته است.

جناب رئیس! من به نام وجدان جانوران درخواست دارم که جایزه صلح به کیسینجر داده نشود. این آدم چه به لحاظ شخصی و چه به لحاظ رسمی هیچ‌گونه قرابتی با صلح و آشتی نداره و شایسته‌ی این جایزه نیست. خواهشمندم حرمت جایزه‌ی صلح جانوران را حفظ کنید. با تشکر و احترام.

گرگ (زوزه کشید و نوبت خواست).

رئیس: آقای گرگ، صحبت خود را آغاز کنید!

گرگ: جناب رئیس، شما واقعاً بسیار آرام و صبورید. فقط شما می‌توانید به این همه خزعبلات خرگوش گوش کنید. حرف‌هایی که او زد اکثراً در جواب خودش بود. خرگوش از مترنخ و بیسمارک ایراد می‌گیرد که با توسل به کشتار، خونریزی و افسونگری صلح را مستقر کرده‌اند. همان‌طور که مستحضرید معترف به برپایی صلح از جانب



اینان است. پس دیگر به او ربطی ندارد که این صلح از چه راهی شکل گرفته. اجداد جانور ما که الهی گوشت و دُنبه به قبرشان ببارد گفته‌اند: الغایه تبرر الوسائل \_ هدف وسیله را توجیه می‌کند. او از بمباران شدید ویتنام می‌گوید. حُب آن‌ها برای حفظ صلح این کار را کرده‌اند. اگر این کار را نمی‌کردند و این همه بمب در انبارها خاک می‌خورد همیشه صلح در خطر بود. من معتقدم اگر تنها به این دلیل هم که باشه باید جایزه صلح به کیسینجر، نماینده دولت صلح‌طلب آمریکا اعطا شود.

میمون (اجازه صحبت کردن خواست).

رئیس: بفرمایید!

میمون: من به عنوان دبیر کمیته از جناب رئیس تقاضا دارم، به اعضای محترم کمیته یادآور شود که قاعده و قانون کمیته را حفظ کنند. صحبت‌های آقای گرگ با اهداف کمیته همخوانی ندارد. این حرف‌ها نه دلیل بودند و نه رد دلیل. می‌توانم بگویم نوعی حيله شغالی بود.

شغال (زوزه کشید): می‌خواهم صحبت کنم.

رئیس: بله!

شغال: به حرف آقای میمون نقد دارم. چرا که به من اهانت کرد. من حيله گر نیستم.

روباه (زوزه کشید و نوبت خواست).

رئیس: بفرمایید عمو روباه صحبت کنید!

روباه: بسیار سپاسگزارم ای رئیس و سرور ما. اعضای محترم کمیته جانوران، روزبه خیر. اینجا خیلی حرف‌ها گفته شد و خیلی هم شنیده شد. من افتخار می‌کنم که عضو چنین کمیته‌ی عادل و آرام و شکیبا و هوشیاری هستم. جای بسی افتخار است که دموکراسی جانوران چنان گسترده است که ضعیف و قوی توانستند اظهارات خود را بیان کنند. صحبت‌های آقای گرگ بسیار ارزشمند بود، یادآوری آقای میمون به جا بود، اعتراض آقای شغال برحق بود و میمون هم با روحیه‌ای دموکراتیک، انتقاد را پذیرفت. خلاصه اینکه، فضای جلسه مملو از دموکراسی است. بر پایه‌ی چنین دموکراسی‌ای از جناب رئیس و اعضای محترم کمیته خواهشمندم به این نکته توجه کنند که اینجا کمیته جایزه‌ی صلح جانوران است. آنچه تا کنون گفته و شنیده شد، برگرفته از زبان و اصطلاحات انسانی بود. ما را چه به کار انسان! بایستی به روش جانوران سخن بگوییم. پیشنهاد می‌کنم کمیته دوباره به بحث کردن بپردازد. صحبت‌هایی که تاکنون گفته و شنیده شده فراموش شود. هرکس که نمی‌تواند از

زبان جانوران صحبت کند حق صحبت کردن ندارد و باید ساکت بماند.

جانوران: بسیار خب، موافقیم.

میمون: (دبیر) سخنران‌های اصلی خرگوش و گرگ بودند.

رئیس: خرگوش، اگر سخنی دارید بفرمایید. منتهی باید به زبان جانوران باشد.

خرگوش: بله جناب رئیس. شیر «تگزاس»<sup>۱</sup> پا به جنگل و بیشه‌ی ویتنام گذاشت، دُم به کول در جنگل پرسه می‌زد و نعره می‌زد و می‌غُرید. ناگهان با گربه‌ای روبرو شد. خیلی تعجب کرد و با دقت به او نگاه می‌کرد. بعد از او پرسید: شکل و قیافه‌ی تو خیلی شبیه ماست، فامیل ما نیستی؟

گربه: بله، نه تنها فامیل که از تیره‌ی شمایم.

شیر تگزاس: چطور نژاد ما اینجا انقدر ریزه میزه‌ست؟

---

۱. تگزاس، یکی از ایالات آمریکا و مرکز بزن‌بها درها و تبهکاران است. شیر تگزاس کنایه‌ای است از امپریالیسم آمریکا. (قزljی)

گربه: خیر، من اهل «مارسیلیام»<sup>۶</sup> و مانند شما هیکل درشتی داشتم. اینجا که اومدم، این طوری کوچیکم کردند.

شیر تگزاس: کی کوچیکت کرد؟

گربه (به اطراف نگاهی کرد و مردی ویتنامی را دید و گفت):  
همینه.

شیر تگزاس (رو به مرد ویتنامی گفت): تو فامیل من رو این طور کوچیک کردی؟

ویتنامی: بله!

شیر تگزاس: چرا؟

ویتنامی: من اینجا تو خونهی خودم نشسته بودم، این از اون ور دنیا اومده و من رو اذیت می کرد. منم کوچیکش کردم.

شیر تگزاس: میخوام باهات بجنگم و انتقامش رو ازت بگیرم.

مرد ویتنامی که پیش از این برای شیر مارسیلیا دام گذاشته بود، کم کم شیر تگزاس را به دنبال خود کشاند تا به یک بوته زار رسیدند و شیر تگزاس به دام افتاد. مرد ویتنامی رفت و با سه چهارتا چماق و

---

۶. مارسیلیا (مارسی) بندری در فرانسه است و شیر مارسی، کنایه از امپریالیسم فرانسه است که در نبرد "دین بن فو" گربه شد! (قزلجی)

ترکه برگشت و به جان شیر افتاد. شیر مدت زیادی این وضعیت رو تحمل کرد؛ اما بالاخره از سر ناچاری رو به گربه کرد و گفت: تو آشنای قدیمی این مردی و زبانش رو بهتر می‌دونی. بهش بگو: اگر مثل تو کوچیک بشم دست از سرم بر می‌داره؟

حال جناب رئیس، این شیر تگزاس که این‌گونه کوچیک شده آیا شایسته است که به او جایزه‌ی صلح اعطا شود؟

رئیس (خطاب به اعضای کمیته): نظرتان چیست؟

روباه: جناب رئیس همان‌طور که شایسته‌ی روش دموکراتیک شماست، رأی‌گیری کنید!

رئیس: کمیته رأی‌گیری کنه.

دبیر: با اکثریت آرا جایزه صلح نوبل به کیسینجر اعطا می‌شود!

گرگ: تبریک می‌گم.

روباه: مبارکه.

خرگوش: با این دموکراسی، هیچ بعید نیست که روزی به نیکسون<sup>۷</sup>  
هم جایزه صلح اهدا بشه!<sup>۸</sup>

---

۷. ریچارد نیکسون رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴. (مترجم)

۸. در مجله‌ی "روژی کوردستان" بغداد، شماره‌های ۲۱ و ۲۲ سال ۱۹۷۴، صفحات ۵۷-۵۹ چاپ و منتشر شده است.

## جایزه‌ی کومیتە‌ی ناشتی جانە‌وهران بۆ کسینجیر

ورچ (سەرۆکی کومیتە‌ی ناشتی جانە‌وهران): ئە‌وا کۆبوونە‌وە‌ی کومیتە‌ی ناشتی جانە‌وهران دە‌کە‌مە‌وە‌. دە‌ست دە‌کە‌ین بە‌ قسە‌ کردن لە‌ بارە‌ی ئە‌وانە‌ی بۆ‌وەرگرتنی جایزه‌‌که‌ پێشنیار کراون. ئا‌غای سکریتیر، کێ‌ پێشنیار کراوه‌؟

مە‌یموون (سکریتیری کومیتە‌): ئا‌غای کسینجیر؛ گورگ پێشنیاری کردووه‌.

سەرۆک: کێ‌ لە‌م بارە‌و‌ه دە‌یه‌وێ‌ قسە‌ بکا؟

کەرۆیشک: مە‌ن دە‌مە‌وێ‌ قسە‌ بکە‌م.

گورگ: هە‌قی نییه‌ قسە‌ بکا؛ لە‌و‌ه‌تی هە‌یه‌ خوێنی لە‌ مێشوو‌له‌یه‌ک نە‌هێناوه‌. ئە‌سلە‌ن بۆ‌ئە‌وه‌ نابێ‌ ئە‌ندامی کومیتە‌ی جانە‌وهران بێ‌.

مە‌یموون: جانە‌وهران دوو جۆرن، هێندیکیان خوین‌ریژن، هێندیکیشیان خوین‌ریژ نین. ئە‌گەر رە‌خنە‌ی ئا‌غای گورگ قە‌بوول بکە‌ین، دە‌بێ‌ بە‌شیکێ‌ زۆر لە‌ جانە‌وهران لە‌ مافی دە‌نگ‌دان بێ‌ بە‌ش بکە‌ین. لام‌وايه‌ که‌ کەرۆیشک یە‌کیکه‌ لە‌ جانە‌وهران و هە‌قی قسە‌ کردنی هە‌یه‌.

سەرۆک: کەرۆشک تا ئیستا له جانەوهران ژمێردراوه و ئەندامی کۆمیتەیه. لهبەر ئەوە دەتوانی قسه بکا.

کەرۆشک: ئاغای ورچ، سەرۆکی بەرێزی کۆمیتە، ئاغایانی جانەوهران، ئەندامانی بەرێزی کۆمیتە! هیئری کسنجیر له ئالمایا له دایک بووه.

گورگ: ئەمە عەیب و شووری نییه. هەر کەسێک لەم دونیایەدا له جینگایەک له دایک بووه.

کەرۆشک: مەبەستم ئەوە نیه عەیب و شووری بی. دەمەوی ژیانی ئەو کابرایه به کورتی بۆ کۆمیتە ی بەرێز باس بکەم؛ له خیزانیکێ جووله کهیه ...

گورگ: بی دەنگ به! تۆ فاشیستی. تۆ دژی جووله که ی.

کەرۆشک: بلیم چی! من تاوانم چیه کابرا له خیزانیکێ جووله که یه. خۆ من ئەمە وه ک ره خنه گرتن نالییم. تۆ که پیشنیارت کردوو، ده بی بزانی کوری کییه؟ بۆچی پیت ناخۆشه؟

سەرۆک (دەبۆلینی): کەس هەقی نیه رێک و پیکێ کۆبوونهوه تیک بدات. وازی لی بینن تا قسه کانی تهواو ده بی. ئەوسا کی قسه ی ههیه ده توانی بیکات.



که رویشک: ئاغای سه رۆک، سوپاست ده کهم. هینری کسینجیر له ئەلمان له دایک بووه، خیزانیکى جووله کهیه. به ناوی ئوستادی زانستگا له زانستگای هارواردی ئەمریکا بوو. هه‌میشه ده‌گوت: «من پیاویکم عاشقی قودرەت و دەسەلاتم». هەر لێرەو دەردە کهوی ئەم کابرایە چ پیاویکە. ئەو عاشقی بیرورای دوو کەس بوو، هه‌میشه ئەوانی بە خولقینەری میژووی تازەى ئەوروپا ناو دەبرد و ئەوانی دەپرست. ئەو دوو کەسە میترنیخ و بیسمارکن. خۆتان دەزانن ئەو دووانە هیچ کاتى لایەنگری ئەو نەبوون بە مافی بەرامبەر و وه‌کوو یه‌که‌وه وت‌ووێژ بکری. هه‌میشه ویستووینە بە زۆرداری و له‌هه‌لۆیستی دەسەلات‌ه‌وه ئاشتى داسەپینن. ئەوانە هەردووکیان لایەنگری میلیتاریسم بوون، کۆمەلانی خەلکیان بە سووک و چرووک دادەنا و وه‌کوو ئامراز و ئەسپاب بۆ ئامانجى خۆیان کەلکیان لێ وەرده‌گرتن. بیسمارک که کسینجیر دەپه‌رستى، ده‌یگوت: «پارلمان تیئاتریکه هه‌رگیز ئارتیستی لاوی به‌خۆیه‌وه نەدیوه».

ئەوی دیکەش که کسینجیر دەپه‌رستى، یانی مترنیخ، هه‌میشه ناوی له‌گه‌ڵ دیکتاتۆره‌کانى زه‌مانى زووی ئەوروپا هاتوو، ره‌وشتى ماکیاڤیلى هه‌بووه. له‌ میژووی ئەوروپادا به‌ جادووگه‌ریکی گه‌وره به‌ناوبانگه. کسینجیر کتیبکی ۳۵۰ لاپه‌ره‌یى دووکتورای خۆی له‌ باره‌ی ئەم پیاوه‌ نووسیوه. له‌و کتیبه‌دا ده‌لی: «ئەم پیاوانه له‌ به‌ر ئەوه

به دیمهن و گه‌وره و هه‌لکه‌وتوون که توانیویانه ماوه‌ی دووسه‌د سال  
ناشتیه‌کی پته‌و له‌ئه‌وروپا دامه‌زینن».

ئه‌و ناشتییه‌ی ئه‌وان له‌ئه‌وروپادا دایانمه‌زراند، به‌چ‌نرخیک‌ته‌واو  
بوو؟ مه‌گه‌ر ئه‌و ناشتییه‌ی که‌مترینخ‌به‌دیاری‌دای‌به‌ئه‌وروپا، به  
شکاندن‌س‌ه‌روگوپلاکی‌ولاته‌بچووکه‌کانی‌ئه‌وروپا و‌کوش‌ت‌و‌پر و  
دیل‌و‌ئه‌سیر‌کردنی‌میلله‌ته‌بی‌ده‌سته‌ل‌اته‌کان‌نه‌بوو؟ ئه‌و‌ناشتیه‌ش  
که‌بیس‌مارک‌پینشکه‌شی‌کرد، به‌زه‌بری‌شمشیر‌نه‌بوو؟

ئالمانیا‌ه‌ه‌زار‌سال‌بوو‌به‌چه‌شنی‌فیدرال‌ئیداره‌ده‌کرا، ئه‌و‌به‌ئاسن  
و‌خوین‌و‌چه‌شنی‌زۆرداری‌پشووی‌خه‌لکی‌بری‌و‌کیشانیه‌ژیر  
فه‌رمانی‌خۆی. ولاتانی‌دیکه‌شی‌داگیر‌کرد و‌ئیمپراتۆری  
ئیمپریالیستی‌رایشی‌دوو‌ه‌می‌دامه‌زراند. له‌ناوه‌وه‌ی‌ئالمانیادا  
هیندی‌قانونی‌وای‌بو‌دیل‌و‌ئه‌سیر‌کردنی‌کارگه‌ره‌کان‌دانا و  
ره‌وشیکی‌وای‌دامه‌زراند‌که‌له‌پاشان‌هیتله‌ریش‌زۆر‌په‌سه‌ندی  
کردن. هیتله‌ر‌له‌کتیبه‌که‌ی‌خۆی‌دا‌(خه‌باتی‌من)‌ده‌نووسی:  
«موتالای‌قانونی‌کارگه‌ری‌بیس‌مارک، له‌رایشی‌سییه‌م‌دا‌بنچینه‌ی  
سیاسه‌تی‌سه‌نعه‌تی‌ئیمه‌ده‌بی». کسینجیر‌نووسه‌ری‌دوو‌کتیبه‌ی  
«مترینخ» و «چه‌کی‌ئاتۆمی‌وه‌کوو‌قودره‌تی‌ترسینه‌ر»‌بر‌وای‌به  
وت‌وو‌پژێ‌هیدی‌و‌هیمن‌و‌له‌سه‌ره‌خۆ‌و‌دوور‌و‌دریژ‌نییه، لایه‌نگه‌ری

وتووئژه له هه‌لۆیستی زۆرداری و فرۆفیله‌وه، لایه‌نگه‌ری چاوبه‌ستن و ده‌م‌کوت کردن و داسه‌پاندنی ئاشتییه.

ئاغای سه‌رۆکی به‌ریز! ئه‌وه‌ی تا ئیستا گوتم، له باری بیرورای خودی کسینجیر بوو. به‌لام کسینجیر له باری ره‌سمییه‌وه به‌ ناوی نوینه‌ری ده‌وله‌تی ئەمریکا وتووئژی له‌گه‌ل ویتنام کردوو، به‌ ناوی ئەو ده‌وله‌ته‌ی که هه‌زاران مه‌دره‌سه و نه‌خۆشخانه‌ی له ویتنام بۆمباران کردوو، هه‌زاران هه‌زار که‌سی ویتنامی کوشتوو و هه‌زاران خانوو و مه‌زرای سووتاندوو. ئه‌وه‌نده‌ی بۆمبا به‌ ویتنام‌دا داوه، له ته‌واوی ئەو بۆمبایانه زیاتره که له شەری دووه‌می جیهانی‌دا ته‌قینراون.

ئاغای سه‌رۆک! من به‌ ناوی ویژدانی جانه‌وه‌ران داوا ده‌که‌م جایزه‌ی ئاشتی به‌ کسینجیر نه‌دری. ئەو کابرایه نه له باری شه‌خسییه‌وه و نه له باری ره‌سمییه‌وه فری به‌ ئاشتییه‌وه نییه و شایانی جایزه نییه. تکا ده‌که‌م شه‌ره‌فی جایزه‌ی ئاشتی جانه‌وه‌ران بپاریزن. ئیتر ریز و حورمه‌ت.

گورگ (لووراندی و داوای نۆره‌ی کرد).

سه‌رۆک: ئاغای گورگ، قسه‌ی خۆت بکه.

گورگ: ئاغای سه‌رۆک، ئیوه به‌راستی زۆر مه‌ند و له سه‌ره‌خۆن. هه‌ر ئیوه ده‌توانن گوێ له‌وه‌موو قسه‌ پووچه‌لانه‌ی که‌رویشک بگرن. ئەو

قسانهی ئه‌و کردنی، زۆربه‌یان وه‌لامی خۆی بوون. که‌رویشک ره‌خه‌ له‌ میترنیخ و بیسمارک ده‌گری که به کوشنار و خوین‌پشتن و جادووگه‌ری ناشتییان دامه‌زراندوووه؛ وه‌کوو ده‌بینن ئیعتراف به‌وه ده‌کا که ناشتییان دامه‌زراندوووه، ئیتر هه‌قی چیه‌ ئه‌و ناشتییه‌ له‌ چ ریگه‌یه‌ که‌وه دامه‌زراوه؟ جانه‌وه‌رانی پیشینیان -گۆریان پر له‌ گوشت و دووگ بی- گوتووینه «الغایه‌ تبرر الوسائل»<sup>۹</sup>. ئه‌و ده‌لی ئه‌و هه‌موو بۆمبایانه‌یان به‌ ویتنام‌دا داوه. ئاخ‌ر ئه‌و کاره‌یان بۆ پاراستنی ناشتی کردوووه. ئه‌گه‌ر وایان نه‌کردایه‌ و ئه‌و هه‌موو بۆمبایه‌ له‌ عه‌مباره‌کان‌دا بمانایه‌ته‌وه، هه‌میشه‌ ناشتی له‌ خه‌ته‌ردا بوو. من لام وایه‌ ئه‌گه‌ر هه‌ر ته‌نیا له‌به‌ر ئه‌م کاره‌ش بی، ده‌بی جایزه‌ی ناشتی به‌ کسینجی‌ر، نوینه‌ری ده‌وله‌تی ناشتی‌خوازی ئه‌مریکا بدری!

مه‌یموون (داوای قسه‌ی کرد)

سه‌رۆک: فه‌رموو.

مه‌یموون: من به‌ ناوی سکرته‌یری کومیته‌ داوا له‌ ئاغای سه‌رۆک ده‌که‌م وه‌بیر ئه‌ندامه‌ به‌ریزه‌کانی کومیته‌ بخته‌وه‌ که‌ قاعیده‌ و قانونی کومیته‌ له‌ به‌رچاو بگرن. ئه‌و قسانه‌ی ئاغای گورگ کردنی، له‌گه‌ل

---

۹. وته‌یه‌کی به‌ناوبانگی ماکیافیللییه، واته: ئامانج، که‌ره‌سته‌ پاساو ده‌کاته‌وه.

رپی وشوینی کومیتہ رپک ناکہون. ئەوانہ نہ دەلیل هینانہوہ بوون، نہ رەت کردنەوہی دەلیل. دەتوانم بلیم چەقەل فیل بوون.

چەقەل (قووړاندی): قسەم هەیه.

سەرۆک: بلی.

چەقەل: رەخنە لە ئاغای مەیموون دەگرم. سووکایەتی بە من کرد، من فیل ناکەم.

رپیوی (واقاندی و داوای قسە کرد).

سەرۆک: فەرموو مام رپیوی، قسە بکە.

رپیوی: زۆر سوپاستان دەکەم ئاغای سەرۆک و گەورەمان. رۆژباش ئەندامانی بەرزی کومیتەیی جانەوهران... لێرەدا قسە زۆر کراوە، ماوەیەکی زۆریش گوێ راگیرا. خۆم بە سەر بەرز دەزانم کە ئەندامی کومیتەییەکی ئەوەندە دادپەرور و لەسەرەخۆ و مەند و ژیرم. جیگای شانازییە کە دیموکراسی جانەوهران ئەوەندە فراوانە لاواز و دەستەلاتدار دەم پاراوی دووا، قسەکانی ئاغای گورگ زۆر بەنرخ بوون، وەبیر خستنەوہەکی ئاغای مەیموون بەجی بوو، ئاغای چەقەل هەقی بوو رەخنە بگری، مەیموونیش بە رۆحیکی دیموکراسییەوہ رەخنەکی قەبوول کرد. بە کورتی دیموکراسی لەو پەری بەرزیدا بالی بە سەر کۆبوونەوہ کەمان کیشاوە. لە سەر

بنچینهی ئەم دیموکراسییە تکا دەکەم لە ئاڭای سەرۆک و هەموو ئەندامە بەرپێزەکان کە ئاور لەم مەبەستە بدەنەوه. ئێرە کۆمیتەیی جایزەیی ناشتییی جانەوارانە. ئەوهی تا ئیستا گوترا و بیسترا، هەمووی بە دەم و کاوێژی ئینسان بوو. ئیمە کارمان بە کاری ئینسان نیە. دەبێ بە شیوهی جانەوهران قسە بکری. پێشنیار دەکەم سەرلەنوێ کۆبوونەوه کە دەست بکاتەوه بە قسە کردن. ئەوهی تا ئیستا گوترا و بیسترا بێ بایەخ بوو. هەر کەس نازانی بە شیوهی جانەوهران بدوی، هەقی قسەیی نەبیت و بێ دەنگ بێ.

جانەوهره کان: باشه راماڤ لێیه.

مەیموون (سکرێتێر): قسە کەری ئەسلی کە رویشک و گورگ بوون.

سەرۆک: کە رویشک! ئەگەر قسەت هەیه بیلێ، بە لام دەبێ بە دەم و کاوێژی جانەوهران بێ.

کە رویشک: بە لێ ئاڭای سەرۆک. شیری "تە کساس" ١٠٠ رویشت و چوو لێرە واری ویتنام، کلکی نا سەر نەپەیی پشتی. بە لێرە واره کە دا دەگەر، دەینەراند و دەینەراند و دەیگرماند. کوت و پەر تووشی

---

١٠. تە کساس یەکیکە لە ناوچەکانی ئەمریکا، ناوەندی گانگیستەرەکان و پیاوکۆژەکانە. شیری تە کساس کینایەیه لە ئیمپریالیزمی ئەمریکا. (فزلجی)

پشیلہ یه ک هات. زۆری به لاوه سهیر بوو. زۆری لی ورد بووه. پاشان  
لیی پرسى: تۆ بیچمت له بیچمی ئیمه ده چی؟ خزمی ئیمه نی؟  
پشیلہ: به لی، نه ک خزم، هه ر له تیره ی ئیوه م.

شیری ته کساس: چۆن نه ته وه ی ئیمه، لیره ئاوا وردن؟  
پشیلہ: نه خیر. من خه لکی "مارسیلیام" <sup>۱۱</sup>، وه کوو تو زله بووم، هاتمه  
ئیره، لیره ئاوا بچووکیان کردمه وه.

شیری ته کساس: کی بچووکی کردییه وه؟  
پشیلہ: (چاوی گیرا، کابرایه کی ویتنامی دی) گوتی: ئا ئه وه.  
شیری ته کساس (به ویتنامی گوت): تۆ خزمه ی منت ئاوا بچووکی  
کردۆته وه؟  
ویتنامی: به لی.

شیری ته کساس: بوچی؟  
ویتنامی: من لیره له مالی خۆم دانیشتووم، ئه وه له وپه ری دنیا وه هات  
و منی ئازار ده دا. منیش بچووکم کرده وه.

---

۱۱. مارسیلیا (مارسی) بهنده ریکه له فه رانسه. شیری مارسیلیا کینایه یه له  
ئیمپریالیزمی فه رانسه که له شه ری دیان بیان فوو کرا به پشیله. (قز لجی)

شیری ته کساس: دهمهوی شهرت له گه ل بکه م و تۆلهی ئهوت لی  
بستینم.

وینامی له پیش دا ته لهی بو شیری مارسیلیا نابووهوه، ورده ورده  
شیری ته کساسی برد تا گه یشته دهوه نیک و به ته له کهوه بوو. چوو  
سی چوار تیلای بری و هاته ویزه ی شیره که. دهستی کرد به لیدانی.  
شیر ماوهیه کی زور ددانی به جهرگی خوی دا گرت. ئاخه که ی ناچار  
روویکرده پشیله که:

- تۆ کۆنه ئاشنای ئه و کاربایه ی، زمانی ده زانی. پیی بلی ئه گهر وه ک  
تۆ بچووک ببه مه وه، وازم لی دینی؟

ئیسنا ئاغای سه رۆک، ئه م شیری ته کساسه که بچووک بۆته وه،  
شایانی ئه وه یه جایزه ی ئاشتی بدریتی؟!

سه رۆک (رووی کرده کومیته): ده لین چی؟

رپوی: ئاغای سه رۆک، به پیی ئه و دیموکراسییه به رزه که شیوه و  
ره وشتی جه نابتانه ده نگ وه رگرن.

سه رۆک: کومیته ده نگ بدات.

سکرتیر: به زۆر به ی ده نگه کان جایزه ی ئاشتی نۆبل ده درئ به  
کسینجیر!



گۆرگ: پیروژ بی!

رپوی: پیروژ بی!

که رویشک: به پیی ئەو دیموکراسییه، جایزه ی ناشتی نۆبل ره نگه  
ئاخره که ی وه بهر نیکسۆنیش بکهوی.<sup>۱۲</sup>

---

۱۲. له گۆفاری «رۆژی کوردستان»، به غدا، ژماره ۲۲-۲۱، سالی ۱۹۷۴، لاپه ره  
۵۷-۵۹ چاپ و بلاو بوته وه.





خرس (رئیس کمیته صلح جانوران): بدین وسیله نشست کمیته صلح جانوران را آغاز می‌کنم. می‌خواهیم درباره‌ی کسانی که برای دریافت جایزه پیشنهاد شده‌اند صحبت کنیم. جناب دبیر چه کسانی پیشنهاد شده‌اند؟

میمون (دبیر کمیته): آقای کیسینجر، گرگ او را پیشنهاد داده است...